



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

## هنرهای تجسمی در فلسطین

سامیه تکتک زارو  
ترجمه افسون پناهی

شواهدی اندک از هنر نوین فلسطین در دسترس است. محمد الاسد در کتاب خود با نام نهضت هنری فلسطین، در سال ۱۹۸۵، هنر فلسطین را بعنوان روندی رو به رشد توصیف نمود. طبق اظهارات وی هنوز منابع مطمئنی در این زمینه وجود ندارد. «آلکسو» (Alecso) بزودی تحقیق مختصری در زمینه هنر فلسطین چاپ خواهد نمود و این تلاشی است که به علت نامشخص بودن هویت فلسطین بسیار پیچیده خواهد بود. فلسطینیان به علت غارت و تسلط مدام اشغالگران بر سرزمینشان در سراسر دنیا متفرق شده‌اند و محکوم به زندگی در سرزمینی می‌باشند که به آن تعلق ندارند. آنهایی که پیش از سال ۱۹۴۸ مقیم فلسطین بودند به ملیت سران

اشغالگر درآمدند، در حالی که فلسطینیان ساکن کرانه‌های باختری رود اردن (۱۹۶۷) همواره برای حفظ ملیت خود در حال مبارزه می‌باشند. بسیاری از فلسطینیان که مقیم کشورهای دیگر شدند در حرکت هنری آنجا مؤثر بودند. و این سؤال همواره به ذهن می‌رسد که آیا محل تولد، محل سکونت و یا سرزمین آبا اجدادی است که هویت یک هنرمند فلسطینی را تعیین می‌کند؟

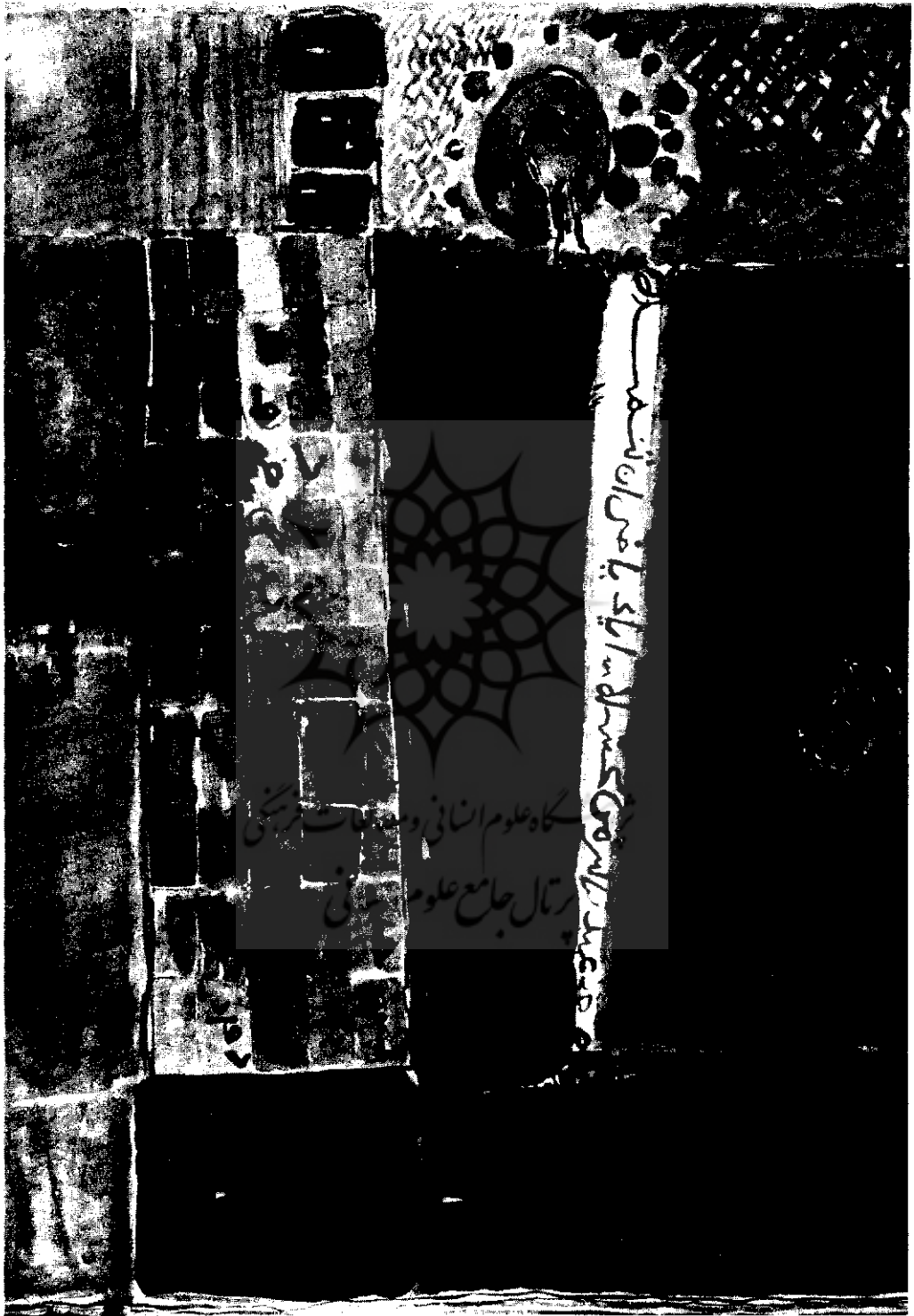
جامعه عرب فلسطینی قرن‌ها قبل از جنگ جهانی اول بر مبنای کشاورزی استوار بود. ارتباط کشاورزان با هنر هم حرفه‌ای بود و هم برای حفظ بصری. آنها از طرح‌ها و الگوهای تزئینی در وسایل و ابزارهای که اکثراً مصارف خانگی داشت استفاده می‌کردند و محصولاتی که از لحاظ هنری از طرح بهتری برخوردار بودند با اجناس دیگر معامله می‌شدند. تصویر و طرح‌های ابتدایی که توسط صنعتگران محلی کشیده می‌شد با طرح‌هایی آزاد بر روی ورودی‌های خانه‌ها و کنده‌کاری بر روی سنگها با الگوهای انتزاعی از درختان خرما بود که سمبل گیاهان و باروری زندگی می‌باشند و نیز نمونه‌هایی از خطاطی و قلم‌زنی آیات قرآنی برای مراسم خاصی مانند بازگشت از حج (زیارت) به چشم می‌خورد. با آگاهی از حریم مذهبی فعالیت‌های هنری، هنرمندان سستی از نمایش شکل و ترکیب انسان خودداری می‌نمودند. این موضوع هنرمندان مسیحی محلی را که از الگوها و طرح‌های تزئینی گل و اشکال حیوانات مربوط به قرن‌های پیش از تاریخ استفاده می‌کردند، نیز تحت تأثیر قرار داد. و این خود پایه و اساس فرهنگ و تمدن در فلسطین را نشان می‌دهد.

به نظر می‌رسد میان مورخین هنر این اتفاق نظر وجود دارد که هنرهای زیبا تا قبل از سال ۱۹۴۸ در فلسطین پیشرفتی نداشته است. آنچه در آن زمان، هنر به حساب می‌آمد، خطاطی سستی، شمایل‌نگاری، کنده‌کاری بر روی چوب، سنگ و چوب زیستون،

موزاییک‌کاری، استادی در هنر مروارید، سفالگری، بافندگی و حصیربافی بود. صنعتگر محلی که هنرمند محلی نیز به حساب می‌آمد، دارای ذهنی باز و روشن بود و الگوهایش را آرام و با خلاقیت طراحی می‌کرد و هنر خود را بعنوان حرفه‌ای گروهی و خانوادگی حفظ می‌نمود. این آثار بازتابی از فرهنگ، ارزش‌ها، اعتقادات و سُنن مناطق مختلف فلسطینی بودند و بر ارزش‌های زیبایی‌شناختی و کارآیی تأکید داشتند. «برودری» نوع خاصی از هنر بود که هویت فلسطینی را بیان می‌نمود و اغلب توسط زنان انجام می‌شد و الگوهای مختلفی از مناطق زندگی‌شان داشت، مردان در این زمینه هیچ‌گونه فعالیتی نداشتند بلکه در جواهرسازی با نقره و فلزات دیگر و هنرهای دستی که بیشتر اشاره شد مهارت داشتند.

سفالگری و سرامیک، قدیمی‌ترین صنایع دستی آن قسمت از دنیاست که در حدود سال ۱۹۰۶ رونق یافت. در حقیقت سفالگری با طرح‌هایی برجسته عمومیت داشت، حتی نمونه‌هایی از آن به دوران برنز برمی‌گردد. در سال ۱۹۳۷ این مهارت بعنوان شاخه‌ای از هنرهای زیبا توسعه پیدا کرد و توسط فلسطینیانی که در اروپا تحصیل کرده بودند و برای تدریس طراحی و هنر به مدارس محلی بازمی‌گشتند، به کار گرفته شد. بعدها افرادی که در آکادمی‌های هنری جهان عرب خصوصاً مصر، عراق، سوریه و با در آمریکا و انگلیس تحصیل کرده بودند بیشتر به تدریس پرداختند تا خلق هنرهای زیبا.

پیش از قیومیت انگلیس (۱۹۴۸-۱۹۲۰) الگوهای طراحی شامل اشکال هندسی و انتزاعی بودند، و بعدها، بنا به تأثیراتی که از خارج وارد شد، طرح‌های گل به اشکال هندسی اضافه شد. این امر در هنر «برودری» کاملاً دیده می‌شود و در آن هماهنگی رنگ‌ها بسیار مهم است. اجزای طرح بنا به نوع موضوعات و الگوهای تکراری داده می‌شود و شناخت



گناه علوم انسانی و...  
رتال جامع علوم...

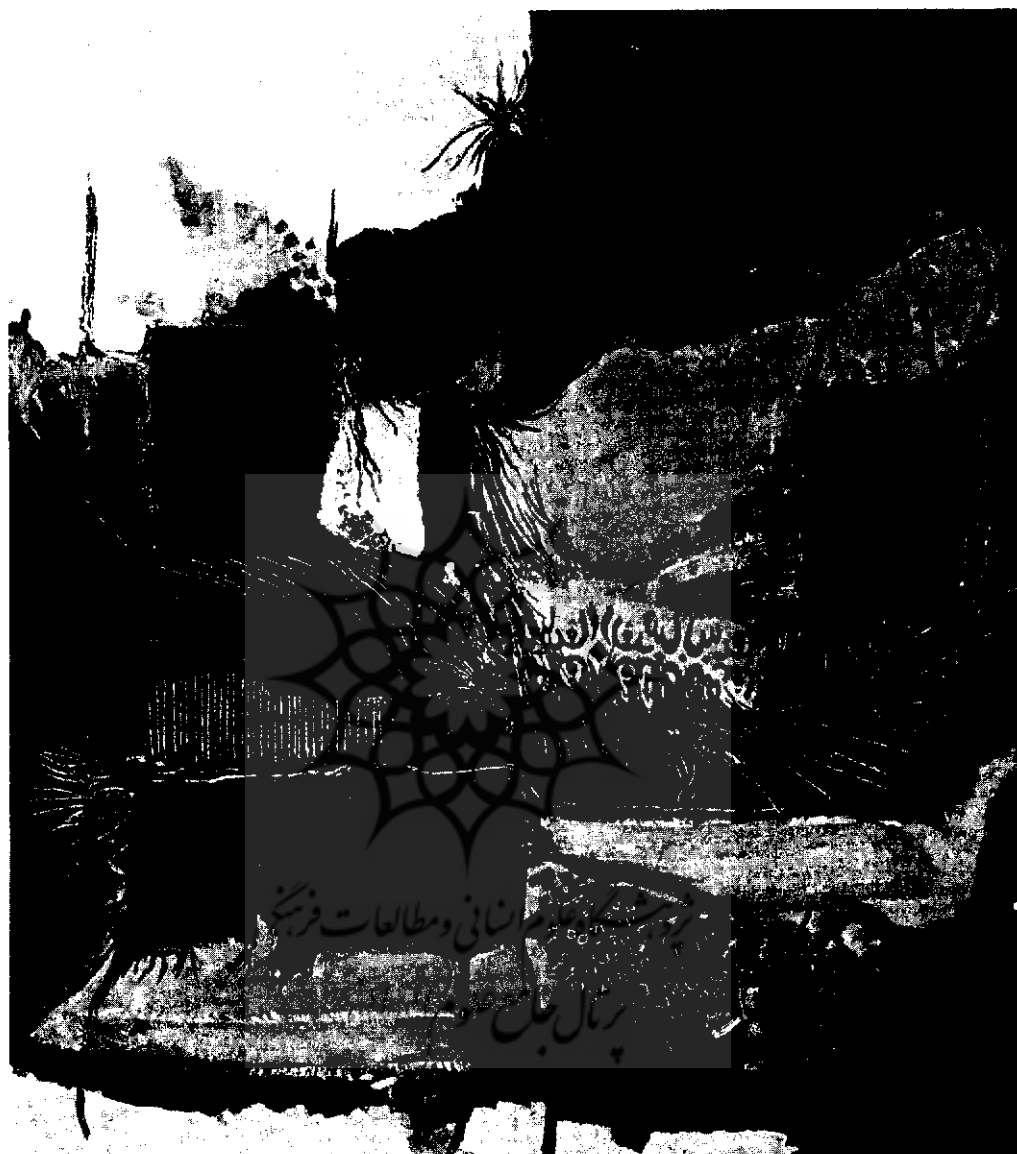
رنگ‌ها، زیبایی‌شناسی شکل‌ها و فرم‌ها بازگوکننده احساسات گروهی است و در عین حال بیشتر تزیینی است تا نمایشگرانه و به خاطرات عمیق و قوی متکی است.

خلق یک اثر هنری با یک روش جدید بسیار نادر بود، تأکید همیشه بر استفاده از یک سبک یا الگوی خاص بود. این محافظه‌کاری و احتیاط در ابراز هنر، جایی برای ظهور و اشتها هنرمندان بزرگ نمی‌گذاشت. هنرمند محلی نیز نقش مشابهی داشت؛ فی‌البداهه و کاربردی عمل می‌کرد، چونان خود زندگی، در جایی قسمتی محو می‌شد و بخشی جدید پدید می‌آمد، البته با شکل، احساس و مفهومی تازه. طی دوران قیمومیت انگلیس پیشرفت‌های هنری چندانی، جز در زمینه‌های غنی فکری صورت نگرفت، زیرا تحصیلات خاص کارمندان دولت بود تا نیازهای مقامات اشغالگر را فراهم آورند.

طراحی تزیینی (دکوراتیو) نخستین رشته هنری در فلسطین بود. پیشتازان این رشته خانواده بادران (Badran) بودند. سه برادر از این خانواده، خصوصاً جمال عبدالرزاق و خیری بادران که در سال‌های ۱۹۲۷-۱۹۲۱، پس از احداث خط آهن هنیا - قاهره، در قاهره به تحصیل طراحی و هنر کاربردی پرداختند و در سال ۱۹۲۷ در دانشکده هنر و طراحی لندن، در رشته نساجی، سفالگری و عکاسی تخصص یافتند. استودیو و کارگاه برادران بادران در اورشلیم تأسیس شد و بسیاری از هنرمندان سنتی معاصر در رشته‌های طراحی آرابسک و هنرهای کاربردی در این کارگاه تعلیم دیدند. پس از سال ۱۹۴۸ جمال بادران به استخدام بخش حرفه و هنر یونسکو در شهر تریپولی، لیبی درآمد. بعدها پس از جنگ ۱۹۶۸ در بازسازی مسجدالاقصی در اورشلیم همکاری نمود. استودیوی وی هنوز در «رام‌النه» و «امان» دایر است. عبدالرزاق بادران در قسمت عکاسی دانشگاه اردن در امان مشغول کار است و برادر سوم نیز

فوت کرد. قابل ذکر است که در سال ۱۹۴۷ شاهزاده حسین (که بعد شاه اردن شد) کارگاه (استودیوی) بادران را مأمور اجرای اثری هنری برای ارائه به الیزابت (که اکنون ملکه است) به مناسبت روز ازدواجش نمود. این اثر یک شطرنج از چوب زیتون بود که نقوش اسلامی داشت و نقره‌کوبی شده بود.

هنرمندان این دوره، پیش از ۱۹۵۰، از نظر شخصیت و سبک، اکسپرسیونیست بودند با زمینه‌هایی ناسیونالیستی، که حاصل وقایع تلخی چون قتل‌عام دریائیش و کفرقاسم بود. مجسمه‌های سرامیک هانا میسمار (Hanna Mismar) نمونه‌ای بارز در این مورد می‌باشد. او هنوز کارگاه سفالگری خود را در ناصریه دارد هنرمندان این دوره، تنها تکنیکی فکر نمی‌کردند بلکه آگاهی خود را در مسائل زمان نیز ابراز می‌داشتند. آثار هنری و ادبی شکل بدیع و مشخصی به خود گرفت و شخصیت هنرمند فلسطین شکل گرفت، بیان هنری در نقاشی از حالات انسانی تأثیر پذیرفت و به دیگر رشته‌های هنری مانند خطاطی و هنرهای تزیینی نیز راه یافت. آثاری که بیانگر زجر انسان‌ها بودند. عذاب و اضطراب از خصوصیات سبک محمود وفا داجانی بود که در دمشق زندگی می‌کرد و پس از سال ۱۹۴۸ مشاور هنری موزه ملی دمشق شد. رشته دیگری از هنرهای این دوره نقاشی از مناظر بود. بانوان جذب هنرهای زیبا شدند البته نه بعنوان یک حرفه بلکه بعنوان یک سرگرمی. در میان این بانوان سوفیا حلبی به پاریس رفت تا در این رشته تحصیل نماید، او پیشتازی بود که در زمینه‌های هنری به موقعیت‌های بالایی در نقاشی‌های آبرنگ خود از گل‌های وحشی و مناظر فلسطین، دست یافت. وی هنوز ساکن اورشلیم است. هنرمند دیگری به نام خانم سعدیا آتا از «بیت‌اللهم» طرح‌هایی از مناظر با گنبدها و کلیساها کشید و بسیاری از آثار وی در کلکسیون‌های هنردوستان فلسطین یافت می‌شود. وی در سال ۱۹۴۰ به استرالیا مهاجرت کرد.



نهضت هنری فلسطین پس از ۱۹۴۸ سبک‌های گوناگون و ابعاد مختلفی به خود گرفت. برخی نام‌ها شهرت یافتند و برخی محو شدند عده‌ای نیز هویت و ملیت کشورهای دیگر را گرفتند مانند جولیان سرافیم متولد هنیا و پائول گیراگوسیان متولد اورشلیم که این دو در زمره هنرمندان و پیشتازان هنر لبنان درآمدند و این

بسیاری از هنرمندان عرب برای مثال نقاد، نویسنده و هنرمند معروف جابرا ابراهیم تحت تأثیر حرکت‌های هنری قرار گرفتند جابرا اهل بیت‌اللمح و یکی از پیشتازان هنر آبستره است. وی در سال ۱۹۴۸ به عراق رفت و از آن زمان تحت تأثیر هنر آن دیار قرار گرفت.



هنر را تحت تأثیر خود قرار دادند. پاستل‌ها و نقاشی‌های فانتزی جولیان سرافیم نشانگر احساس بی‌ریشه شدن است و فیگورهای گویرا گوسیان، انتزاعی، خشن و باظرافتند و شما را به اورشلیم قدیم که نماد صلح است، می‌برند. با آنچه گفته شد می‌بینیم که حرکت هنری فلسطین در واقع از سالهای ۱۹۴۰ با تأسیس استودیوی بادران در خیابان کامیلای اورشلیم آغاز شد، استودیویی که هنرمندان، آماطورها، مجموعه‌داران و خطاطان برجسته‌ای چون یوسف نجار و محمد سیام را به خود جلب کرد. تأثیر هنر و فرهنگ اسلامی در آثار افرادی که در عراق و مصر تعلیم دیده‌اند کاملاً مشخص است. این تأثیر حدوداً پس از ۱۹۴۸، زمانی که هنرمندان دهه پنجاه که بحران سیاسی آغاز شد و نقاشان به امپرسیونیسم گرایش یافتند، از بین رفت.

گرفتن جایزه ممتاز توسط فاطمه محب از لندن برای طراحی بنای یادبود زندانی سیاسی انتزاعی غیرمترقبه بود. فاطمه محب در رشته هنر در دانشگاه قاهره تحصیل نمود و در اوایل دهه ۵۰، پرتوهای بسیاری از رهبران سرشناس عرب و صحنه‌هایی از اورشلیم و گنبد سنگی کشید. وی هنوز ساکن «یوریکو» می‌باشد. فاجعه ۱۹۴۸ نقطه عطفی بود و تعلق و دربه‌دزی انگیزه‌هایی برای خلاقیت شدند. هویت هنرمند فلسطین خلاصه شد در عوامل اولیه‌ای که وجود وی را بعنوان یک فلسطینی در ارتباط با سرزمینش، زمان و بحران نشان می‌داد. او انرژی خود را بر خلق شخصیتی خاص خلاصه و متمرکز نمود که هدفش رسیدن به هنری است که تجربه، احساس و اصالت او را صادقانه بیان کند.

بین سال‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۵۵ هنرمندانی که در خارج تحصیل می‌کردند به وطن بازگشتند. عفاف عرفات که از آکادمی بت (Bath) انگلستان فارغ‌التحصیل شده بود و اسماعیل شاموت که از پیش نقاشی می‌کرد از قاهره و ایتالیا مدارک هنری خود را دریافت کردند. اسماعیل شاموت در دهه ۷۰ هنرمند

رسمی سازمان آزادیبخش فلسطین شد. وی از حقایق عینی الهام می‌گرفت، و آثارش بیازتاب مبارزات و رنج‌های ملتش بود. در آثار وی ارتباط مستقیمی میان شکل و محتوا وجود دارد. گرچه او به مفهوم این آثار ارجحیت می‌دهد که کاملاً از تجربیاتش سرچشمه می‌گیرد. سمبل‌های او حاکی از وقایع تاریخی است که بیانگر ظرافت‌هایی تأثیرگذار است که او در نقش‌های خود خلق می‌کند. نخستین نمایشگاه او در سال ۱۹۵۳ در غزه برپا شد. دیگر آثاری که صریح و باصلاحت حاکی از درگیری و آرزوی داشتن کشوری آزاد می‌باشند توسط هنرمندان پیشین این سرزمین قبل از سال ۱۹۴۸ خلق شده‌اند. اطلاع‌اندکی از حرکت‌های هنری میان سال‌های ۱۹۵۵-۱۹۴۸ وجود دارد. آثار هنرمندان پس از سال ۱۹۵۵ با احیای هنرمندان فلسطین که در آکادمی‌های جهان عرب، اروپا و آمریکا تحصیل کرده بودند و اکنون

در مناطق اشغالی، اردن، کویت، لبنان، آمریکا و دیگر کشورها اقامت دارند، از موضعی محکم برخوردار است. شیوه ناسیونالیستی در آثار عابد عبیدی از حیفاء، عبدالله الکازا از والیات، الکامل و فاروق دیا از تمرا و همچنین آثار ادبی از شاعران برجسته فلسطین، محمود درویش، توفیق زیاده، و سمیح القاسم کاملاً به چشم می‌خوردند.

بازگشت هنرمندان فلسطینی که در دهه ۵۰ از دانشگاه‌های خارج فارغ‌التحصیل شدند و شروع تحصیلات در دانشکده‌های UNRWA و مراکز تعلیم، و وجود جای خالی برای تدریس هنر در مدارس دولتی اردن، برای معلمان هنر موقعیت‌های کاری مناسبی به وجود آورد. عفاف عرفات که آثارش تحت تأثیر دانشکده انگلیسی قرار داشت با رنگ‌های هماهنگ و ملایم طبیعت بی‌جان و ترکیبی از مناظر، در بهبود تحصیلات هنری در دانشگاه هزاران سهم داشت. از سال ۱۹۶۴ بود که حرکت‌های هنری در این منطقه مشاهده و احیا شد. وزارت آموزش و پرورش اردن با همکاری هنرمندانی چون، جمال بادران، فاطمه محب، سامیا تکتک، عالیه عاقل و عفاف عرفات برنامه درسی هنری را برای دوره ابتدایی و راهنمایی آغاز کرد. قسمت تربیت معلم آژانس کاربایی برای فلسطینیان از سوی سازمان ملل، مراکز آموزشی هنر جهت اخذ تخصص برای معلمان در حین تدریس دایر کرد.

از سوی دیگر در سال ۱۹۶۲ آگاهی هنری عمومی ایجاد شد. هنرمندانی چون آمنه حسینی از هنرمندان جوان حمایت کردند و نخستین «گروه هنرمندان» و «شورای پیشه‌وران» در اورشلیم را تشکیل دادند و این پایه محکمی برای تشویق هنرمندانی چون کمال مولانا (متولد ۱۹۴۲)، سامیه تکتک (متولد ۱۹۳۸)، ولادیمیر تماری (متولد ۱۹۴۲)، ساری خوری (متولد ۱۹۴۲) و هُدا میخائیل شد. در سال‌های ۶۶-۱۹۶۴، در «رام‌الله»، اورشلیم و امان نمایشگاه‌هایی برگزار گردید.

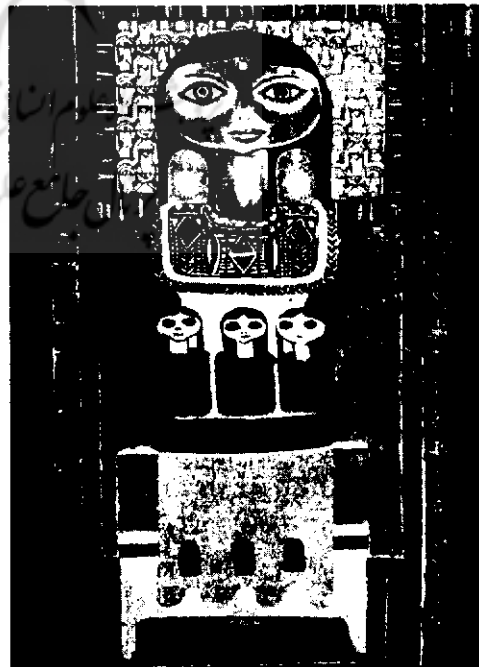
این شیفتگی و انگیزه تا بحران نابهنگام سیاسی و شروع جنگ در سال ۱۹۶۷ ادامه داشت و هنرمندان مانند دیگر فلسطینیان به دلایل غیرقابل اجتنابی زادگاه خود را ترک گفتند و در امان، بیروت، لندن، پاریس، واشنگتن دی‌سی، و توکیو سکنی گزیدند. همزمان اسماعیل شاموت (متولد ۱۹۳۰) و همسرش تمام آل-آخل (متولد ۱۹۳۴) احساسات خود را نسبت به فشارها، نگرانی‌ها و ناامنی‌ها با ترکیبی از رنگ‌ها و خطوط و حرکات کاردک نشان دادند و سعی داشتند داستان درگیری انسان و اجتماع را بیان کنند. روند حرکت‌های هنری پس از ۱۹۶۷ با آثار هنرمندانی که در سرزمین خود مانده بودند و احساس خاص وابستگی خود را بیان می‌داشتند، محکم‌تر شد. در حالی که هنرمندانی که محکوم به ترک زادگاه خود بودند، ناچار با استفاده از سمبل‌ها و طرح‌های سنتی فلسطین سعی داشتند به وسیله خاطرات خود وطنشان را مجسم کنند. چنین سمبل‌هایی همراه با شخصیت‌های افسانه‌ای در آثار مصطفی حلاج (۱۹۳۸) و سامیه تکتک زارو که از الگوهای اصیل فلسطینی در کلاژ انتزاعی خود با ترکیبی از رنگ‌های گوناگون از «برودری» استفاده نموده است، نمایان می‌شود. در این مورد محمد الاسد در کتاب خود درباره حرکت هنری فلسطین می‌گوید: «این نوع هنر الگو و طراحی بیانگر شخصیت واقعی مردم فلسطین است». از یک سو حلاج و از سوی دیگر عبدالرحمان مُزین (متولد ۱۹۴۳) در لبنان با خلق مضمون‌هایی که مربوط به حوادث فلسطین‌اند و با خطوط محکم و سمبل‌های اغراق‌آمیز خود، رنج ملتشان را به نمایش می‌گذارند. در این دوره پوستره‌های سیاسی نیز رواج یافتند. هنرمندان، گرافیست‌ها، شاعران و نویسندگان فلسطینی در لبنان و جهان عرب سخنان صریح و محکمی در پوسترها، جلد کتاب‌ها و کتاب‌های بچه‌ها گنجاندند. این هنرمندان پس از ۱۹۶۷ در نمایشگاه‌های بین‌المللی در سراسر جهان حضور یافتند و هنرمندان

کشورهای دیگر نیز با آثار خود از فلسطینیان حمایت کردند. این تبادلات در افق‌های هنری گسترش یافت و هنر فلسطین از هنری بومی به بین‌المللی و از سنتی به مدرن تغییر یافت. این تغییرات در آثار کمال بولانا (متولد اورشلیم) مشهود است. او در دانشگاه جورج تاون واشنگتن سخنرانی‌هایی نمود و در آثار اخیر خود با روشی جدید و با استفاده از ترکیب‌های ظریف و زیبایی با چاپ سیلک ابعاد جدیدی در خطاطی عربی ایجاد کرد و هنر عربی را در رده هنر معاصر قرار داد. در حالی که پیروی از حرکت‌های هنری آمریکا باعث شد هنرمندانی چون سامیه هالامی در آثار جدید خود از هنر «سینه‌تیک» (حرکتی) استفاده کند که با آثار سُست و انتزاعی پیشینش کاملاً متفاوت است. هالامی همراه خانواده‌اش در سال ۱۹۴۸ هنیا را ترک گفت به امید آنکه روزی به شهر خود بازگردد ولی در حال حاضر در دانشگاه ییل (Yale) تدریس می‌کند. در

حالی که خود وی با وجود زندگی در امریکا و تدریس، هنوز اورشلیم زادگاهش را به یاد دارد و تصاویر قدیمی و افسانه‌های سرزمین خود را در ذهن حفظ کرده، از آنها مضامین ابدی و نیرومند را اخذ نموده و در اشکال هندسی با رنگ‌های ناب به کار می‌گیرد. ولادیمیر تماری بیروت را به مقصد توکیو ترک کرد و یادگار پرارزشی از زادگاهش را با خود برد. رنگ‌های روشن در چشم‌انداز، گنبد‌ها، کلیساها - که به شکل انتزاعی است - بر ذهنیتی دلالت دارد که هنوز ترکیبات مؤثر و باحساسی از ملودی‌های جاودانه را خلق می‌کند.

پاریس بسیاری از هنرمندان عرب را که در حال آماده‌سازی خود بودند و هر یک هویتی خاص داشتند به خود جذب کرد. هنر فلسطینی در فرانسه، از طریق کلاژهای بدیع، اشکال سنتی و ترکیب‌های هنر خطاطی توسط سمیر سلامه (۱۹۴۵) و نیز نقاشی‌های ظریف جومانا حسینی (۱۹۳۲) که استعاره‌هایی برای رجعت (بازگشت)، در سمبل‌هایی مثل ببر، اسب، زنانی با لباس‌های محلی، و شهرهای فلسطینی داشتند، معرفی شد.

بار دیگر - وقتی که در سال ۱۹۸۲ جنگ در لبنان شروع شد، هنرمندان باید خانه‌های خود را پیدا می‌کردند - بعضی از آنها در لندن مقیم شدند و بقیه مثل لیلیا شواو، بین غزه و انگلستان در رفت و آمد بودند. در لندن هنر فلسطینی به خوبی به بریتانیایی‌ها معرفی شده است آن هم از طریق دیدار از نمایشگاه‌هایی نظیر نمایشگاه هنرمندان فلسطین اشغالی (۱۹۷۶) لندن، این گروه شامل این افراد بودند: نبیل عنانی (متولد ۱۹۴۵) اهل لثرون که در سال ۱۹۶۷ شهرش ویران شد - ابراهیم حجازی (متولد ۱۹۴۵) اهل حیفا، خلیل ریان (متولد ۱۹۴۶) اهل دامون - که در سال ۱۹۴۸ شهرش ویران شد. سلیمان منصور (متولد ۱۹۴۷) اهل رام‌الله، بشیر سینور (متولد ۱۹۴۵) - اهل اردوگاه پناهندگان خان یونس در غزه، ورا تماری (متولد ۱۹۴۱) اهل





رام‌الله، ریحاب نماری (متولد ۱۹۴۲) اهل اورشلیم و سامیه تک‌تک زارو اهل رام‌الله.

هنر فلسطینی نیز توسط نمایشگاه‌هایی از هنرمندان جهان اسلام (۱۹۷۶) عرضه شده است، و آنانی که ساکن بریتانیا هستند مانند ولید ابو شکرا (متولد ۱۹۴۵)، که سیاه‌قلم‌کاری او از دهکده‌های فلسطینی، مناظر، درختان زیتون و دیوارهای سنگی به‌خوبی شناخته شده است.

علی‌رغم زندگی تحت شرایط نابسامان، هنرمندان در فلسطین اشغالی، آفرینش آثار هنری را ادامه داده‌اند - که تلاش مصمم آنها برای استوار ماندن به‌عنوان یک انسان را آشکار می‌کند.

شیوه به‌کارگرفته شده در اکثر آثار آنها، وابستگی صریح و شدید به فلسطین را نشان می‌دهد، آنها با این طرز فکر به شمار دیگری از هنرمندان فلسطینی که بیرون از زادگاهشان زندگی می‌کنند و در چهارگوشه جهان پراکنده شده‌اند، پیوسته‌اند. آثاری که تحت اشغال خلق شده، تلخ، خصمانه و جسورانه است؛ اعتراض شدید‌اللحن هنرمندانه‌ای است به تجاوز سرزمینشان توسط اسرائیل اشغالگر.

نهضت هنری در سرزمین اشغالی، در سال ۱۹۷۰ به‌وسیله نمایشگاه‌های آثار هنرمندانی مثل سلیمان منصور، نبیل عنانی، عصام بدر، ابراهیم صبا، تأیسر شرف و دیگر هنرمندان موجودیت خود را تثبیت کرد.

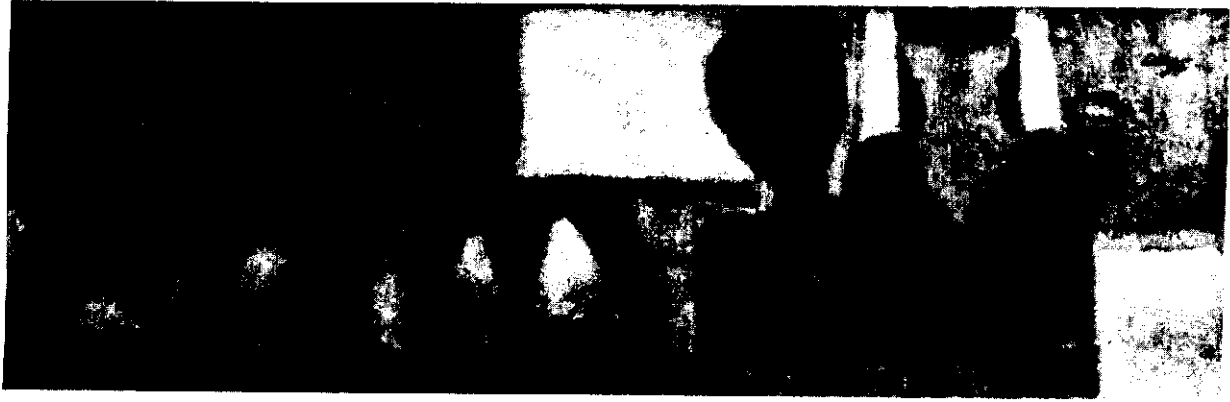
مجمع هنرمندان فلسطینی، اولین جلسه خود را به سال ۱۹۷۲ در اورشلیم برپا کرد. نویسندگان، شاعران و آنهایی که به فرهنگ علاقه‌مند بودند، این حرکت را مورد تقدیر قرار دادند و از مجمع حمایت کردند، ولی سلطه‌جویان اشغالگر چنین اقدامی را رد کردند و مانع کار انجمن شدند تا بالاخره حکمی توسط غاصبان مبنی بر تعطیلی مجمع و ممنوعیت برپایی نمایشگاه‌ها و جلسات، تصویب شد. این حرکتی بود علیه هنر، هنرمندان و مضامین ملی که آنها به تصویر کشیده بودند.

بسیاری از آثار هنری، مصادره و بعضی از نقاشان زندانی شدند.

در همان زمان، تئاتر محلی فلسطین «الحکواتی» با همکاری بازیگران، شاعران، هنرمندان و نمایشنامه‌نویسان اهل سرزمین‌های اشغالی که قبل از سال ۱۹۴۸ بطور مشترک تأسیس شده بود، برنامه‌های فرهنگی بسیاری را در فلسطین، اروپا و آمریکا به‌اجرا درآورد.

الحکواتی ارتباطی نزدیک با مجمع هنرمندان به‌وسیله برپایی نمایشگاه‌هایی منظم در تالار آن داشت. از هنرمندانی مانند کمال مولتا، دعوت شده بود تا آثار خود را به نمایش بگذارند. برنامه‌های فرهنگی فلسطینی، تئاتر الحکواتی - اعراب و یهودیان را جذب نمود. برنامه‌های پرارزشی که شامل برنامه‌های نمایشی، موزیکال، نمایشگاه‌ها، سخنرانی‌ها، نقاشی و نمایش‌های لباس‌های سنتی می‌شد. حرکتی مشابه بر علیه تئاتر الحکواتی، از سوی حاکمان اشغالگر، مانند تهدیدات، محدودیت‌های سانسوری و بسیاری دیگر از ادعاهای دروغین و واهی مبنی بر اقدامات امنیتی انجام شد. اکنون بسته به لطف و مرحمت حاکمان امر است که این نهاد چه موقع و چگونه کار کند و آنها در سرنوشت سازمانی که برای جنبش فلسطین فریاد می‌زند، سهیم‌اند. در سال ۱۹۶۹ نخستین مجمع هنرمندان فلسطینی که در امان مستقر شده بود تشکیل شد و بعد به بیروت و سپس به کویت انتقال یافت. این تشکیلات اورشلیم را به‌عنوان دفتر اصلی تعیین کرد. در سال ۱۹۷۰ مجمع در اورشلیم و رام‌الله فقط دارای یک شعبه کوچک بود.

مجمع همچنین شعبه‌هایی را در قسمت‌های مختلف جهان عرب برای شماری از هنرمندان رانده از وطن، تأسیس کرد. این مجمع با اتحادیه هنرمندان عرب بطور فعال در ارتباط بود و نمایشگاه‌هایی سیاحتی (سیار) فلسطینی در بخش‌های مختلف دنیا و برای



حمایت از به رسمیت شناختن حقوق مردم فلسطین ترتیب می‌داد. خوب است شرحی مختصر درباره زنان هنرمند فلسطین داده شود که بطور مداوم و جدی آثاری خلاق با جلوه‌هایی گوناگون خلق کرده‌اند. زنان هنرمند فعالیت خود را با شروع حرکت‌های سال ۱۹۳۰ آغاز کردند. نخست سوفی حلبی و بعد فاطمه محب و سپس عفاف عرفات، جومتا حسینی، سامیه زارو، ریحاب نماری، ورا تماری، سمیرا بدران (متولد ۱۹۵۴) و فاطمه توباسی به این جریان پیوستند. عفاف عرفات، اکنون در نابلس زندگی می‌کند و در ارائه طرح‌های اسلامی بزودی دوزی فعالیت می‌کند. ریحاب نماری نقاش و معلم هنر کودکان است. ورا تماری سرامیک‌ساز است و آثار دیواری او با استفاده از جلوه‌هایی معاصر، بازتاب یک نت زنده است و در حال حاضر کودکان هم‌جوار (همسایگان) را به فعالیت و آفرینش هنری واداشته است در حالی که به دلیل ظهور انتفاضه در سال ۱۹۸۸ رژیم اشغالگر شدیدترین فشارها را بر مردم وارد می‌سازد.

سمیرا بدران اکنون، در اسپانیا زندگی و کار می‌کند و بین عمان، مادرید و رام‌الله در سفر است. آثار اکسپرسیونیستی او، از رنج و محنت مردمش حکایت می‌کند.

زد و خورد‌های سال ۱۹۴۸ تعداد بی‌شماری از نقاشان فلسطینی را به مهاجرت واداشت ولی خلاقیت را متوقف نکرد.

نقاشانی مانند احمد ناوش (متولد ۱۹۳۲) توفیق السعید (متولد ۱۹۳۲) و یاسر دواکی (متولد ۱۹۳۸) در فرانسه، اسپانیا و عراق تحصیل کردند و بازگشتند تا در عمان و اردن زندگی کنند.

ناوش که از سال ۱۹۴۸ در اردن زندگی کرده است، در سکوت رنج می‌کشد نقش‌های ظریف، نسبتاً دلننگ و غمگین، تعلق خاطر نقاش به ریشه‌های خویش را نشان می‌دهد.

نقاشی‌های نقش‌برجسته و حجاری و مجسمه‌سازی‌های توفیق السعید هنر او را بطور موجز بیان می‌کند.

اکنون آثار گرافیکی، یاسر دواکی که بعدها در انگلستان تحصیل کرد، بطور نمادین رنج ناشی از جداسدن او از حبرون، محل تولدش، را نشان می‌دهد.

بعضی از نقاشانی که در عراق تحصیل کرده‌اند، تا اندازه‌ای تحت تأثیر جریان هنری آن کشور قرار گرفته‌اند، ولی مضامین آنها کاملاً فلسطینی باقی مانده است. نالم و درد، از قتل‌عام و کشتار مردم شهرهای صبرا و شتیلا در لبنان به سال (۱۹۸۲)، در آثار عزیز آمورا (متولد ۱۹۴۲) و عدنان یحیی (متولد ۱۹۶۰) کاملاً مشهود است. تأثیر آکادمی‌های هنر جهان عرب بر بعضی از آثار هنرمندانی مانند صالح ابوشیندی (متولد ۱۹۳۸) که در قاهره تحصیل کرده، بطور کامل مشهود است. آثار او بر اساس خاطراتش از شهرها و دهکده‌های فلسطینی با استفاده از طرح‌های اسلامی و عربی شکل گرفته است.

در رشته سفالگری و سرامیک، محمود طه (متولد ۱۹۴۲) در دیوارنگاره‌ها و برجسته‌کاریها ترکیبی از خطاطی و طرح‌هایی با شور و حال اسلامی و استفاده ماهرانه از رنگ سرآمد همگان است. اشکال برجسته سرامیکی او بیان وقایع معاصر است و نیز آثار سفالینه او طراح و سفالگری ماهر را معرفی می‌کند. هازم زوبی و نجوا عتاب سفالگران دیگری هستند که در اردن زندگی می‌کنند.

جلوه مهم دیگر هنر فلسطینی پوستر است. این هنر در بیروت آغاز شد و با هویت فلسطینی در وقایع بین‌المللی تثبیت شد و نیز هنرمندان غیرفلسطینی را به همدلی ترغیب کرد، مانند دیا عضاوی از عراق و دیگران. هنرمند و طراح پوستر دکتر کمال کوبار یکی از معدود افراد تعلیم‌دیده در این رشته است. هنرمند حساس کارتونیست نیز این امر خطیر را مورد حمایت

قرار داده است؛ ناجی العلی گرافیسیت برجسته‌ای که بین کوئی، بیروت و لندن در رفت و آمد بود، در سال ۱۹۸۶ در لندن به ضرب گلوله از پای درآمد. بنابراین، طرح‌های او فرجام بیانات صادقانه او بود.

به‌خاطر جنگ‌های سال ۱۹۴۸ و ۱۹۶۷ بیشتر هنرمندان در حال حاضر در کویت زندگی می‌کنند. بخش بزرگی از مجمع هنرمندان فلسطینی در آنجا تأسیس شد و هیئت رسمی آن در کویت فعالیت می‌کند. آبرنگ‌کارها و هنرمندان گرافیسیت و نقاشان مشهور مثل ناصر سامی، جمال غریبه، اسماعیل شاموت، محمد بوشناک و افراد دیگری از طریق دفتر کویت در نمایشگاه‌ها شرکت دارند. نمونه‌های بسیار کمی از مجسمه‌سازی فلسطینی به دلایلی که قبلاً گفته شده در دسترس است. با وجود این سنگتراشان در حکاکی سنگ برای تزیین کلیساها با نقوش برجسته انجیلی و شکل‌ها و قطعات محرابی پیشی گرفته‌اند. یکی از آن سنگ‌تراشان ماهر عیسی کوپار است که در عمان زندگی می‌کند. او سنگتراشی بناستعداد است و به مجسمه‌سازان محلی امان در سنگ‌کاری و سنگ‌تراشی (قلم‌زنی) سنگ مرمر کمک کرده است. حکاکی و مجسمه‌سازی، هنری بود که خانواده‌هایی خاص در فلسطین در این حرفه بویژه در بیت‌الحم استاد می‌شدند.

در پایان قرن ۱۹، ابراهیم آناستاس، اهل بیت‌الحم به میلان سفر کرد تا زیر نظر مجسمه‌سازان ایتالیایی در ساخت ستونهای گرد (ستونهای تاج‌دار Pillar Crouns) آموزش ببیند. بعدها، اکثر آثار کنده‌کاری سنگی، توسط نوادگان این خانواده انجام شد. فوزی - نواش - برای تحصیل کنده‌کاری در سال ۱۹۶۲ بعد از سبک کلاسیک و استادان رنسانس در میلان - به ایتالیا رفت. در سال ۱۹۷۲ برای کار به سنت ایتالیایی بر روی انواع مرمرهای موجود در فلسطین - بازگشت. او همچنین در ریخته‌گری برنز کار کرده است و

مجسمه مرمری صلح به ارتفاع ۶ متر کار او است و یکی از مجسمه‌هایش، «مریم باکره»، در سال ۱۹۷۵ در موزه لوور پاریس به نمایش درآمد.

بعد از فاجعه آتش‌سوزی در سال ۱۹۶۹ در مسجدالاقصی او به مرمت و سنگراشی در آن مکان مشغول شد. آناستاس، آکادمی دوساله را برای تعلیم مجسمه‌سازی و کارهای دارای حجم تأسیس کرده است.

مجسمه‌سازی مثل نقاشی، سبک معاصر را دنبال می‌کند. معرّف‌کاری‌های ترکیبی برجسته سامیه تک‌تک، ورق‌های فلزی، چکش‌کوبی و لحیم‌کاری است. بعنوان اثر یک زن هنرمند این آثار در این بخش از جهان عرب بدیع می‌باشند. او اکنون در دنیای هنر جایگاه شناخته‌شده‌ای دارد و به سال ۱۹۸۴ برنده مدال برنز از جشنواره بین‌المللی آفرینش در قاهره شده است.

هنر و هنرمند فلسطینی - خلاق و خودانگیزه‌اند. آنها انگیزه استوار و مترقی دارند. شرکت آنها در بسیاری از نمایشگاه‌های بین‌المللی پرباربودنشان را ثابت کرده است. اگرچه بسیاری از آنها تحت شرایط سخت زندگی می‌کنند به‌نظر نمی‌رسد که هنوز نوآوری را از دست داده باشند.